

■ مقدمه

اگر با نگرشی سیستمی به ترویج کشاورزی نگاه کنیم، مشاهده خواهیم نمود که ترویج، سیستمی پیچیده است که عوامل و عناصر متعددی با آن مرادده دارند. سیستم نظام ترویج یا ارکان نظام ترویجی از خرده سیستمهایی به شرح زیر تشکیل یافته است:

- ۱- اصول، زیربنا و مبانی نظری ترویج
- ۲- بهره‌وران نظام ترویج
- ۳- محتوا و عرصه نظام ترویج
- ۴- مدیریت و سازماندهی در نظام ترویج
- ۵- فرایند نشر در نظام ترویج
- ۶- عاملین اجرایی در نظام ترویج
- ۷- عوامل پیرامونی مؤثر بر نظام ترویج

هر یک از خرده سیستمهای فوق به عنوان سیستم فرعی مطرح و به نوبه خود به عنوان یک سیستم پیچیده تلقی می‌شوند. یکی از ارکان نظام ترویج، "محتوا و عرصه" این نظام می‌باشد که در حقیقت چارچوبی برای ایفای نقش نظام ترویج است. محتوای نظام ترویج منبعث از اهداف توسعه کشور است که دربردارنده هدفهایی برای توسعه بخش کشاورزی و روستایی، انتقال تکنولوژی، آموزش کشاورزان و توسعه نهادی می‌باشد. محتوای نظام ترویج در هر جامعه‌ای متأثر از چندین عامل تعیین کننده عمده می‌باشد که مهمترین آنها عبارت‌اند از: اهداف اجتماعی، اقتصادی، اهداف توسعه، رفیافت ترویج و همچنین ساختار نهاد و بخش ترویج

کشاورزی.

این امر را نباید از نظر دور داشت که نیازها، علایق و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی، ویژگیهای اقلیمی و اقتصادی مناطق روستایی و دیگر خصوصیات روستا و روستاییان می‌تواند بر محتوای نظام ترویج تأثیر مهمی داشته باشد.

ضمناً نوآوریهای علمی و تکنولوژیک، تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، به نوبه خود بخش کشاورزی و روستایی و به تبع آن ترویج را در ابعاد و صور گوناگون آن تحت تأثیر و تغییر قرار می‌دهند و در این مسیر عرصه فعالیتها و برنامه‌های ترویج را دچار تغییر و دگرگونی می‌کنند.

لذا محتوای نظام ترویج در حالتی پویا همواره در معرض تحول و دگرگونی است و مرور کلی بر سیر تکوینی آن در ایران و جهان مبین این واقعیت است که این نظام، پیوسته در گذشته و حال، در حال تغییر و تحول بوده و اهداف، مفاهیم، محتوا، زمینه‌های مورد عمل و ... هم در سطح جهانی و هم در سطح داخلی و محلی، بارها مورد تجدید نظر و بازتعریف قرار گرفته است.

در این مقاله سعی بر این است با نگاهی جامع، سیر تحولات و تغییرات در زمینه‌ها و عرصه‌های برنامه ترویج کشاورزی در ایران، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

مروری بر سوابق

محتوای برنامه‌ها و عرصه فعالیتهای ترویج کشاورزی در ایران

■ ترویج اساساً نشر و اشاعه است و

رسالت اصلی آن، انتقال، اشاعه و تنفیذ نوآوریهای علمی و تکنولوژیک در میان جوامع روستایی است. لذا مکتب ترویج می‌تواند و باید در خدمت اشاعه بسیاری از زمینه‌های ذی‌مدخل در فرایند توسعه قرار داشته باشد.

اصولاً ترویج به عنوان وسیله‌ای برای کمک در حل مسائل و انتشار اصول نوین کشاورزی و کشاورزی نوین اشتهار یافته است و امروزه نیز به عنوان یک مکتب آموزشی، عمدتاً در زمینه‌های مرتبط با کشاورزی در اکثر کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. لیکن با توسعه اصول کشاورزی نوین و به تبع آن افزایش میزان عملکرد تولید محصولات کشاورزی و ارتقاء سطح زندگی روستاییان، ضرورتهایی برای تحول در سایر جنبه‌های زندگی روستایی نیز پدیدار می‌گردد.

همچنین مستعد شدن روستاییان برای افزایش تولید با کیفیت بهتر، مستلزم آگاهیهای بیشتری در جنبه‌های متنوعی از زندگی و اشتغال در روستاست.

تعیین زمینه‌های مورد عمل و عرصه‌های فعالیت ترویج، در حقیقت تعیین چارچوبی است که مکتب ترویج در آن محدود به ایفای نقش خواهد پرداخت. تعیین این چارچوب در هر جامعه‌ای به عهده سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آن جامعه است که با توجه به سیاستها و استراتژیهای توسعه و

همچنین شرایط و ویژگیهای محلی، منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی، به گونه‌های مختلف طرح و اجرا می‌شود.

از طرفی بر اساس آراء نظریه پردازان علم ترویج، نظام ترویج کشاورزی متشکل از ارکان مختلف و متعددی است که یکی از مهمترین آنها، "محتوا و عرصه" نظام ترویج می‌باشد و هر کشوری که از یک نظام ترویجی پویا و خاص برخوردار باشد، زمینه‌های مورد عمل و عرصه‌های فعالیت ترویج، به صورتی مشخص، تعیین و تدوین گردیده است. البته این نکته مهم را نیز نباید از نظر دور داشت که محتوای نظام ترویج هرگز حالتی ایستا ندارد، بلکه با توجه به تغییر و تحولاتی که در سیاستها و استراتژیهای توسعه، شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و... صورت می‌گیرد، زمینه‌های مورد عمل در ترویج به شکلی "پویا" دچار تحول می‌گردد.

بررسی سوابق مربوط به محتوا و عرصه‌های برنامه‌های ترویج کشاورزی در ایران و شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها و فعالیتهایی که تاکنون در این زمینه طرح و اجرا شده است و مطالعه سیر تحولات و تغییراتی که در این خصوص به وقوع پیوسته، یکی از ضروریات مهم در راستای تهیه و تدوین عرصه‌های نظام ترویج کشاورزی در کشور می‌باشد که می‌تواند در طراحی الگوی نظام ترویج ایران مورد استفاده واقع شود. در طول مدت زمانی بالغ بر نیم قرن که از سابقه فعالیت ترویج کشاورزی در ایران می‌گذرد، فراز و نشیبهای فراوانی از نظر برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و همچنین زمینه‌های مورد عمل بر این حرکت اصیل عارض گردیده است.

در این مقاله سعی بر این است تا سوابق مربوط به محتوا و عرصه برنامه‌های ترویج کشاورزی در کشور مورد کنکاش قرار گرفته و ضمن بررسی این عرصه‌ها زمینه‌های تأثیرگذار بر این امر نیز مورد توجه واقع شود. بدیهی است که محتوای این مقاله پژوهشی، مرحله‌ای زیرساخت جهت طراحی الگوی نظام ترویج کشاورزی محسوب می‌شود و به همراه سایر طرحهای مطالعاتی در این زمینه، می‌تواند تکمیل‌کننده اطلاعات مورد نیاز در این خصوص باشد. عمده‌ترین روش کسب اطلاعات در این تحقیق، رجوع به منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌ای موجود در ذخایر تاریخی، انتشاراتی و استفاده از نظرهای

صاحب نظران و دست‌اندرکاران قدیمی ترویج - که امکان دسترسی به آنها وجود داشت - بوده است.

نظر به اینکه این مقاله سعی دارد با نگاهی جامع، سوابق عرصه‌های فعالیت ترویج در کشور را بررسی کند، لذا جهت سهولت این امر، دوره تاریخی این تحقیق، به سه دوره عمده بشرح زیر تقسیم شده است:

■ دوره اول: بررسی سوابق مربوط به محتوا و عرصه‌های برنامه‌های ترویج کشاورزی در کشور از ابتدا تا سال ۱۳۳۲ (ایجاد تشکیلات رسمی ترویج کشاورزی)

بررسی سوابق و تاریخچه ترویج کشاورزی در کشور، نشان‌دهنده این امر است که تا قبل از تأسیس و راه‌اندازی تشکیلاتی رسمی و متمرکز جهت اداره امور کشاورزی کشور، ترویج کشاورزی در ایران موقعیت اجرایی خاصی نداشته است. یعنی تا سال ۱۲۹۶ (ه.ش) که مصادف با تأسیس "اداره کل فلاح" است، اقدامات مؤثر و مستمری در زمینه ترویج کشاورزی در کشور صورت نمی‌گرفته است. تا قبل از این تاریخ به علت سلطه مناسبات فنودالی و بزرگ‌مالکی بر بخش کشاورزی کشور، شاغلین این بخش دچار یک نوع جهل و فقر علمی و فرهنگی بوده‌اند و افراد با طبقه حاکم بر بخش روستایی کشور، اصولاً به کاربرد شیوه‌های نوین و ابزار و ادوات پیشرفته کشاورزی هیچ‌گونه تمایل و علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دادند و حاکمیت خود را صرفاً بر پایه استعمار هر چه بیشتر روستاییان بنا نهاده بودند.

در این مقطع تاریخی، بخش کشاورزی کشور تأمین‌کننده عمده درآمدهای دولتی بوده و اخذ مالیاتهای سنگین از روستاییان و بهره‌کشی حکام دولتی و محلی از کشاورزان، باعث شده بود که شرایط بسیار نامساعد و نامطلوبی به روستاییان تحمیل شود و آنها در یک جو بی‌خبری، ناآگاهی، فقر علمی، مادی و فرهنگی بسر برند. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که در این مقطع تاریخی افرادی آگاه، دلسوز و مصلح - چه از طبقات هیئت حاکمه و چه افرادی خارج از مسئولیتها و مناصب دولتی - تلاشهای فراوانی نمودند تا غبار جهل و بیخبری را از چهره صدیق اقشار زحمتکش روستایی پاک

کنند.

در این مورد می‌توان به فعالیتهای اصلاح‌طلبانه "میرزا تقی خان امیرکبیر"، صدراعظم لایق و کاردان ناصرالدین‌شاه، اشاره نمود که ضمن بهبود نحوه اخذ مالیات از روستاییان، فعالیتهای وسیعی را در جهت ترویج زراعتهای نوین در کشور بعمل آورد. در این زمینه می‌توان به ترویج زراعت پنبه امریکایی، ترویج و توسعه کشت نیشکر با اصول علمی نوین آن زمان، ترویج و توسعه صنایع دستی روستایی و ... اشاره نمود. در زمان صدارت امیرکبیر، اصول علمی نوین در خصوص زراعتهای جدید، در روزنامه‌ای به نام "وقایع اتفاقیه"^۱ چاپ شده و همه روزه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گرفت. اما این فعالیتهای مترقیانه و اصلاح طلبانه، پس از شهادت وی ناتمام ماند و استمرار پیدا نکرد و مملکت از ثمرات ارزشمند آن محروم ماند. (۲، ص ۲۰)

به غیر از افراد دلسوز و آگاه در سطح مقامات دولتی، افرادی نیز در جامعه بودند که با تلاشهای آگاه‌ساز خود به مبارزه علیه فقر علمی و فرهنگی در روستاهای کشور می‌پرداختند. تدوین و تألیف متون قدیمه کشاورزی که حاوی اطلاعات جالب و مفیدی برای شاغلین بخش کشاورزی بود، از دیگر اقدامات در جهت آگاه‌سازی اقشار روستاییان در این مقطع تاریخی می‌باشد. برای مثال در این زمینه می‌توان به موارد مهم زیر اشاره نمود:

- تألیف کتاب "علم فلاح و زراعت"، اولین کتاب ترویجی در زمینه کشاورزی (سال ۷۰۰ تا ۸۰۰ هجری)
- تألیف کتاب "قواعد پیوند و اعمال آن به طریقه اهل فرنگ"، اولین کتاب ترجمه شده به زبان فارسی در زمینه باغبانی (سال ۸۰۰ تا ۹۰۰ هجری)
- تألیف کتاب "ارشاد الزراعه" توسط فاضل هروی در سال ۹۲۱ هجری (۱، ص ۱۲)

پس از تأسیس اداره کل فلاح در سال ۱۲۹۶ (ه.ش)، تأسیس و راه‌اندازی مراکز آموزش رسمی کشاورزی در کشور آغاز شد و اقدامات نسبتاً دامنه‌داری در زمینه بهبود فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی از طریق ارائه آموزشهای ترویجی از سوی کارگزاران دولتی به عمل آمد. به این منظور افرادی آموزش دیده با عنوان "مبشرین دهات"

رهسپار روستاها شدند تا اصول نوین علمی در زمینه کشاورزی را به روستاییان آموزش دهند.

این اقدامات در مجموع جهت بهبود بخش کشاورزی و روستایی کشور و به منظور افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی، بالاخص محصولات کشاورزی که قابل صدور به کشورهای خارجی بودند، صورت می‌گرفت. زیرا که این اقدامات موجب افزایش درآمد دولت می‌گردید. لازم به ذکر است که در آن ایام حدود ۸۰ درصد درآمد دولت از بخش کشاورزی تأمین می‌شد. لذا فعالیتهای ترویج کشاورزی در این مقطع، عمدتاً بر روی محصولات نوین کشاورزی که قابل صدور به کشورهای خارجی بودند تمرکز داشت. این محصولات عبارت بودند از: پنبه، نیشکر، زعفران، پرورش نوغان (کرم ابریشم) و ... البته قسمت عمده این تحول تحت تأثیر گسترش فعالیتهای اقتصادی کشورهای صنعتی، بالاخص کشورهای مغرب زمین قرار داشت و غالباً با فشار سیاسی از جانب آنان صورت می‌گرفت، که در نتیجه این اقدامات، بخش روستایی کشور در شبکه‌ای از بازرگانی داخلی و خارجی ادغام شد و بخش کشاورزی کشور در جهت نظام سرمایه‌داری تغییر پیدا کرد و در روستاها مبادلات پولی اهمیت بیشتری یافته و جای مبادلات کالایی را گرفت. لذا تولید محصولاتی که معامله نقدی را تشویق می‌نمود، توسعه و گسترش پیدا کرد. در اینجا نمونه‌هایی تاریخی در این زمینه مطرح می‌شود:

الف) چارلز عیسوی، نویسنده "تاریخ اقتصادی ایران" در این خصوص می‌نویسد: "... در تولید گندم و برنج نیز افزایشی رخ داد، زیرا یا به خارج صادر می‌شد یا اینکه برای تأمین نیازمندیهای شهروندان به شهرها فرستاده می‌شد. محصولاتی چون ابریشم، تریاک (خشخاش)، پنبه، تنباکو که معامله نقدی را تشویق می‌نمود، در حال توسعه و گسترش بود. چرا که این محصولات در روستاها تولید شده و در خارج از آنها به فروش می‌رسید." (۸)

وی سپس در ادامه می‌نویسد: "این تحولات سه نتیجه عمده در روستاها داشته است:

۱- نیاز دهقانان و روستاییان به اعتبار (سرمایه) افزایش یافت.

۲- حکومت دولتی و مالکان ترجیح می‌دادند که مالیات و بهره مالکانه را به صورت نقدی از روستاییان دریافت دارند.

۳- سرمایه‌گذاری مستقیم در امر کشت و زرع متداول گردید. (همان منبع)

بنابراین در روستاها تغییراتی ساختاری پدید آمد که عبارت از حرکت به سوی اقتصاد بازار (Market Economy) بود، که نتیجه آن توسعه و ازدیاد "محصولات فروشی" و در نهایت زوال اقتصاد خودکفایی روستاها بود." (همان منبع)

ب) براساس شواهد متعددی که از قرن نوزدهم میلادی موجود است، در زمانی که ایران به صورت یک نیمه مستعمره برای قدرتهای روس و انگلیس درآمد، بخش روستایی کشور عهده دار مسئولیت تازه‌ای شد که آن تولید مواد خام برای کشورهای قدرتمند صنعتی بود.

در این دوران بخش روستایی کشور از راه شبکه‌ای از مناسبات بازرگانی به بازار گسترده‌تر ناحیه‌ای و مملکتی کشانده شد و از آن طریق در نهایت با بازار جهانی پیوند می‌یافت. در طی این دوران تاجران ایرانی و روسی، کاشت پنبه آمریکایی را از راه تأمین بذر و نقدینه به کشاورزان شمال کشور و خراسان تشویق می‌نمودند و همچنین تولید غلات برای صدور به خارج از کشور توسعه می‌یافت...."

ج) سودآوری تولید محصولات معین زراعی، تأثیر مستقیمی بر روی تصمیم‌گیریهای دهقانان در خصوص فعالیتهای زراعی داشته است. به عنوان مثال در سال ۱۸۹۱ در یکی از گزارشهای کنسول انگلیس در مشهد آمده است که اهالی تربت حیدریه به کشت زعفران علاقه زیادی نشان می‌دهند، چون متوجه شده‌اند که عایدی آن بیشتر از پنبه است. نشانه دیگری از واکنش دهقانان نسبت به تقاضای بازار، تولید توتون در گیلان می‌باشد که تولید آن تا سال ۱۸۹۱ رشدی بیش از ده برابر داشته است. (۱۵)

با توجه به الگوی تولیدات کشاورزی در ایران در این مقطع تاریخی، چشمگیرترین تغییر در رشد "محصولات نقدی" صورت گرفت. در این خصوص علاوه بر محصولاتی که به آن اشاره شد، می‌توان به تولید محصولاتی چون زیتون و جای - که درآمد نقدی برای کشاورزان به ارمغان می‌آوردند- نیز توجه نمود. زیرا کشورهای خارجی در

خصوص خرید این نوع محصولات از ایران، فعال بوده‌اند. (همان منبع)

براساس آنچه ذکر شد، نتیجه گرفته می‌شود که در این دوره تاریخی خاص، که بخش کشاورزی کشور برای تأمین درآمدهای دولتی، جایگاه خاصی داشته است، اقدامات دولت در جهت توسعه بخش کشاورزی و ترویج اطلاعات نوین و مهارتهای جدید کشاورزی به این بخش، صرفاً به منظور افزایش درآمدهای ملی صورت می‌گرفت.

با توجه به اهمیت که بخش کشاورزی در زمینه کسب عایدات دولتی داشته است و از طرفی به علت حاکمیت یک نوع فقر، جهل و بی‌خبری بر این بخش، دولت در صدد برآمد تا با تأسیس دستگاههای اجرایی و با تشکیل و راه‌اندازی مدارس کشاورزی، نسبت به توسعه بخش کشاورزی کشور اقدام نماید.

همچنین با تأسیس اداره کل فلاحات، برای اولین بار نشریه‌ای به نام "مجله فلاحات و تجارت" نیز از سوی آن اداره کل منتشر گردید که حاوی اطلاعات مفید و نوینی در خصوص تولید محصولات زراعی، دامی و باغی بوده است. از طرفی ترادف دو کلمه "تجارت" و "فلاحات" که در عنوان اداره کل و ضمناً در عنوان وزارتخانه متبوع (وزارت تجارت، فلاحات و فواید عامه) در آن زمان به چشم می‌خورد، حاکی از نزدیکی فشرده‌ای بین فعالیتهای کشاورزی و فعالیتهای تجاری در مملکت می‌باشد.

مدارس کشاورزی آن زمان نیز عهده‌دار آموزش و تربیت افرادی با عنوان "مبشر دهات" بوده‌اند که این افراد را پس از فارغ‌التحصیل شدن به روستاهای کشور اعزام می‌کردند تا کشاورزان را نسبت به اصول صحیح و نوین کشاورزی آشنا نمایند. مدرسین این مدارس کشاورزی، عمدتاً کارشناسان خارجی یا کارشناسان داخلی فارغ‌التحصیل کشورهای غربی (بالاخص فرانسه) بودند. موضوعات تحصیلی در این مدارس عبارت بودند از: گیاه‌شناسی، زراعت کلیه نباتات مفید، پرورش اشجار مثمر، دامپروری، جوشناسی (هواشناسی)، فیزیک، تغذیه حیوانات، آباد کردن زمین، کود، ماشینهای فلاحی، پرورش زنبور عسل، تربیت جنگلگاه، ساختن ابنیه دهاتی، سیاق و دفترداری مختصر فلاحی، نقشه‌برداری، فارسی و شعر، اقتصاد روستایی، قوانین جاریه روستایی.

حساب و هندسه، لینیات (فراورده‌های شیر) و شناسایی زمین: (۱۰) البته به مرور زمان با توسعه و گسترش مراکز آموزش کشاورزی، موضوعات تحصیلی کشاورزی نیز در جهت تخصصی شدن، گسترش نسبی یافت. پس از زوال حکومت قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی، در برنامه دولت حکومت رضاخان (اولین کابینه حکومت رضاخان به ریاست مستوفی‌الممالک) توجه و تأکید فراوانی به ترویج کشاورزی و بهبود بخش کشاورزی مبذول گردید. به طوری که در بند ۳ برنامه کابینه مستوفی‌الممالک چنین آمده است: "اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آن و بستن سدها برای آبیاری اراضی قابل زرع".

با تصویب این برنامه در مجلس شورای ملی وقت، فعالیت‌های ترویجی کشاورزی در کشور توان تازه‌ای یافت و اقدامات نسبتاً دامنه‌داری در جهت مبارزه با عقب‌ماندگی‌های فنی در بخش روستایی کشور به عمل آمد. همچنین تشکیلات اجرایی اداره کل فلاح، توسعه و گسترش بیشتری یافت و شعبات خود را در سراسر کشور مستقر نمود.

عرصه فعالیت‌های ترویج کشاورزی که در این دوران توسط اداره کل فلاح و پس از آن اداره کل کشاورزی، تا قبل از تأسیس وزارت کشاورزی (شهریور ۱۳۲۰)، صورت می‌گرفت به قرار زیر بوده است: (۲، ص ۳۱)

۱- اصول صحیح زراعت محصولات کشاورزی، بخصوص محصولات قابل صدور و آموزش روش‌های نوین زراعتی در این مورد.

۲- نوسازی وسایل و ادوات کشاورزی و ترویج ماشینی کردن فلاح
۳- ترویج بذر اصلاح شده محصولات زراعی و نهالهای اصلاح شده درختان مثمر و غیرمثمر

۴- نحوه استفاده صحیح از کود دامی و ترویج کودهای شیمیایی و آموزش نحوه صحیح استفاده از آن

۵- ترویج صنایع دستی و روستایی
۶- تشویق کشاورزان به برپایی نمایشگاه‌های کشاورزی و نمایش محصولات تولیدی

۷- ترویج حفظ، احیا و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی

۸- انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه اصلاح نژاد دام و طیور توسط اداره کل فلاح و مدرسه عالی فلاح کرج و ترویج نژادهای اصلاح شده در بخش روستایی از طریق بنگاه‌های فلاحی

۹- ترویج و اشاعه اصول صحیح مبارزه علمی و عملی با آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی

۱۰- ترویج اصول صحیح پرورش دام و طیور

۱۱- نحوه دایر کردن اراضی بایر و موات

۱۲- تشویق دهقانان به استفاده از کلاسهای اکابر (سوادآموزی)

۱۳- اقدام در لایروبی قنوات و رسیدگی به منابع تأمین آب زراعت در بخش کشاورزی

۱۴- اصلاح منازل و ابنیه دهات

۱۵- تشویق دهقانان به تشریک مساعی و مشارکت و همیاری در زمینه‌های آباد کردن انهار و قنوات و همچنین مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و اقدام در زمینه خشک کردن باتلاقها و دایر نمودن اراضی بایر.

دوره دوم: عرصه‌های فعالیت ترویج کشاورزی از سال ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)، دوران ایجاد تشکیلاتی رسمی و مستقل جهت ترویج کشاورزی

با توجه به تحولات و دگرگونی‌های مطلوب و مثمر ثمری که فعالیتها و اقدامات ترویجی در بخش کشاورزی به جای گذاشت و عملکرد مؤثری که بالاخص از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۳۲ در زمینه اصلاح و بهبود روند تولید محصولات کشاورزی و بازسازی بخش کشاورزی از قبل فعالیت‌های ترویجی بروز نمود، بتدریج ایده تشکیل و راه‌اندازی نهادی رسمی و مستقل جهت کانالیزه نمودن و هدایت کلیه فعالیت‌های ترویجی در بخش کشاورزی در اذهان برنامه‌ریزان و سیاستگذاران مملکتی شکل گرفت. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که سازمان‌های بین‌المللی نظیر اداره اصل ۴ (Point 4)، بنیاد خاور نزدیک، سازمان خواربار و کشاورزی، سازمان خواربار جنگی در تقویت این اندیشه و همکاری مؤثر در زمینه

ایجاد و گسترش تشکیلات رسمی ترویج کشاورزی نقش مهم و سازنده‌ای را ایفا نمودند.

در همین ایام ترویج و توسعه کشاورزی به گونه‌ای فعال و پرتحرک درآمد، به نحوی که گسترش ابعاد و تشکیلات آن غیرقابل اجتناب می‌نمود، لذا مقرر گردید دست‌اندرکاران ترویج و سایر افراد علاقمند که به عنوان کارشناس در وزارت کشاورزی مشغول به کار بودند، جهت ارائه مؤثر خدمات ترویجی کارایی لازم را کسب نمایند و این امر با هماهنگی سازمان‌های بین‌المللی و کارشناسان خارجی آن سازمانها، طی موافقت‌نامه‌های متعددی که با وزارت کشاورزی امضا می‌شد، به مرحله اجرا درآمد. (۹، ص ۲۵)

بدین ترتیب از ابتدای سال ۱۳۳۲، کار ترویج با همکاری متخصصان و کارشناسان امریکایی در چارچوب یک سازمان مستقل ارشادی و رسمی با نظارت وزارت کشاورزی شروع شد و به سرعت توسعه پیدا کرد و شامل اکثر روستاهای کشور گردید.

عرصه‌های فعالیت‌های ترویج کشاورزی تا سال ۱۳۳۸ - که تغییرات سازمانی و تشکیلاتی در آن به وقوع پیوست - شامل موارد زیر بود:

۱- ترویج و توسعه استفاده از بذر اصلاح شده نباتی، نهالهای اصلاح شده و واریته‌های مرغوب درختان مثمر و غیرمثمر

۲- ترویج و اشاعه کودهای شیمیایی، سموم شیمیایی دفع آفات نباتی و حیوانی و آموزش نحوه استفاده صحیح از آنها

۳- تهیه، توزیع و تدارک نهاده‌های کشاورزی در بین روستاییان

۴- ترویج و اشاعه ماشین‌آلات و ابزارآلات جدید کشاورزی در روستاها

۵- ترویج و اشاعه نژادهای اصیل و اصلاح شده دام و طیور

۶- انجام عملیات نمایی، آموزشی و تبلیغاتی برای مبارزه علیه آفات مهم نباتات زراعی و درختان میوه

۷- طبع و توزیع نشریات، جزوات و مقاله‌های مفید علمی که در داخل و یا خارج از کشور تهیه شده و حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه کشاورزی و علوم مرتبط با آن بوده است. این نشریات توسط اداره نگارش، آموزش و تبلیغات اداره کل ترویج تهیه و در

اختیار علاقمندان قرار می‌گرفت.

۸- نحوه مبارزه علمی و عملی با آفات و بیماریهای دام و طیور و نحوه جلوگیری از بیماریهای دامی

۹- ترویج روشهای علمی و عملی حفظ آب و خاک و آموزش اصول نوین زراعتی که از نهادهای تحقیقاتی اخذ شده بود. عرصه‌های فعالیتهای ترویجی در حوزه منابع طبیعی وزارت کشاورزی نیز شامل موارد زیر بود:

۱- روشهای اصلاح و ازدیاد طبیعی جنگلها
۲- اصول صحیح علمی بهره‌برداری از جنگلها
۳- ازدیاد طبیعی گیاهان مرتعی و روشهای اصلاح مراتع، تطبیق طرح مرتعداری با تعداد دام در هر منطقه (۱۱)

در سال ۱۳۳۸ به دنبال گسترش فعالیتهای ترویجی، اداره کل ترویج کشاورزی به سازمان ترویج کشاورزی تبدیل گردید و در سال ۱۳۴۰ تشکیلات اداری آن وسیعتر و در تقسیمات داخلی آن نیز تغییراتی بوجود آمد.

عرصه‌های فعالیت در زمینه‌های کشاورزی (زراعت، دامپروری و باغبانی) عمدتاً همان مواردی بود که به آن اشاره شد. ضمن اینکه این فعالیتها بتدریج در اکثر نقاط روستایی کشور گسترش می‌یافت.

از سال ۱۳۴۰ به بعد ترویج خانه‌داری به فعالیتهای ترویجی افزوده شد. در این عرصه موارد زیر مورد توجه قرار می‌گرفت:

۱- بهداشت خانه و محل زندگی و نحوه نظافت منازل و محیط زندگی

۲- اقتصاد خانه

۳- تغذیه اصولی و بهداشتی و ذخیره خواربار (ذخیره سبزیجات، میوه و سایر مواد خوراکی)

۴- آموزش خیاطی

۵- نحوه سمپاشی محل زندگی، درختان میوه و غیرمثمر و ...

۶- آموزش آشپزی برخی غذاها، مرباجات، ترشیجات و انواع خوراکیها

۷- تغذیه و بهداشت نوزاد و نحوه صحیح و اصولی مراقبت از نوزاد

۸- تنظیم خانواده

۹- مدیریت مزرعه و خانه

۱۰- سبزیکاری در منازل

۱۱- مرغداری، دامپروری و تهیه لبنیات

۱۲- پرستاری در خانه و کمکهای اولیه

۱۳- فلسفه ترویج و روشهای آن، علم‌الاجتماع، تعلیمات فرهنگی و مذهبی. (۲، ص ۶۵)

در سال ۱۳۴۶، وظایف مشخص و تعیین شده‌ای برای سازمان ترویج کشاورزی در نظر گرفته شد. این وظایف در زمینه آموزش و تعلیم اصول و مبانی نوین کشاورزی، شامل موارد ذیل بود:

۱- آموزش کشاورزان و دامپروران به وسیله مروجان کشاورزی و سپاهیان ترویج و آبادانی

۲- آموزش کشاورزی سربازان زراعت پیشه در پادگانهای نظامی کشور

۳- آموزش کشاورزی و دامپروری نوین جوانان روستایی به منظور پرورش استعدادها و تأمین کشاورز ماهر از طریق تشکیل باشگاههای جوانان روستایی

۴- تربیت تکنسین و کارگر ماهر کشاورزی

۵- تهیه، چاپ و انتشار نشریات ترویجی

۶- اجرای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی روستا به منظور آموزش کشاورزان و کلیه علاقمندان

۷- اجرای طرحهای افزایش تولید محصول گندم، دانه‌های روغنی، علوفه، موکاری و سبب زمینی

۸- اجرای طرحهای دهات نمونه به منظور تلفیق و هماهنگ نمودن کلیه خدمات کارشناسی، فنی و اجرایی سازمانهای مختلف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

۹- تشکیل نمایشگاههای کشاورزی به منظور شناساندن پیشرفتهای کشاورزی، دامپروری، ترویج و تعلیم بذور اصلاح شده محصولات

زراعتی، نژادهای اصیل دام و طیور، ماشین‌آلات و صنایع کشاورزی، سموم و مواد شیمیایی دفع آفات نباتی و حیوانی و حشره‌کشها

۱۰- آموزش و تجهیز کادر فنی و اداری سازمان ترویج در رشته‌های مربوطه به منظور افزایش کارایی افراد در جهت اجرای آن برنامه‌ها و همچنین آموزش قبل از خدمت کلیه کارکنان به منظور آماده نمودن آنها برای انجام مطلوب وظایف و مسئولیتهای محوله (۹، ص ۷۷)

بررسی سوابق و تاریخچه ترویج کشاورزی در ایران نشان می‌دهد که در مقطع زمانی (۱۳۳۲-۱۳۴۱) در اثر فعالیتهای ترویجی، تحولی بسیار مثبت در روستاها و بخش کشاورزی کشور صورت گرفت.

در پایان سال ۱۳۴۰ تعداد مروجان کشاورزی به بیش از ۲ هزار نفر رسیده که طی این ده سال متحصراً به وظایف و مسئولیتهای آموزشی خود عمل می‌کردند و از طرف نهادها و مراکز تحقیقاتی نیز به خوبی حمایت و پشتیبانی می‌شدند. لذا قسمت عمده تغییرات و پیشرفتهایی که در بخش کشاورزی و در زمینه‌های توسعه باغهای میوه، سبزیکاری، مبارزه با آفات و بیماریهای گیاهی، استفاده از ارقام اصلاح شده بذور محصولات زراعتی، استفاده از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی، توسعه دامداریها و مرغداریها، کشت غلات و علوفه، توسعه مکانیزاسیون کشاورزی و ... حاصل گردید، مرسوم فعالیت‌های مروجان کشاورزی و کارشناسانی است که در طی آن سالها در روستاهای مملکت مقیم بوده و به آموزش کشاورزی مبادرت داشته‌اند. (۱، ص ۲۶)

ولی متأسفانه آغاز اصلاحات ارضی در کشور و درگیر شدن پرسنل و امکانات سازمان ترویج در امور اجرایی اصلاحات ارضی، نهاد ترویج را از اهداف و رسالت اصلی خود دور کرد و آن را به انحراف کشاند و ضایعاتی که در این خصوص به ترویج کشاورزی کشور تحمیل شد، حتی تا سالهای متمادی پس از انقلاب اسلامی ایران نیز کاملاً ترمیم و برطرف نگردید.

بنابراین، مقطع زمانی "۱۳۴۱-۱۳۵۷" سالهای ناگواری برای نهاد ترویج و فعالیتهای ترویجی در ایران محسوب می‌شود. عمده تحولات این دوره عبارت بودند از:

۱- شروع اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ و محول نمودن امور اجرایی آن به سازمان ترویج

۲- تشکیل سپاه ترویج و آبادانی و سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳

۳- واگذاری طرحهای افزایش تولید به سازمان ترویج در سال ۱۳۵۲

۴- انتزاع اداره ترویج خانه‌داری از سازمان ترویج و الحاق آن به وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۴۶

لذا این دوره تاریخی را می‌توان دوره "آغاز فعالیتهای غیرترویجی" سازمان ترویج نام نهاد. (۲، ص ۵۱)

■ شروع طرحهای افزایش تولید

طرحهای افزایش تولید در سال

۱۳۴۳، ابتدا در زمینه افزایش تولیدات برنج در استانهای گیلان و مازندران و در سطح ۳۰ هزار هکتار از شالیزارهای استانهای فوق مورد تصویب قرار گرفت و با استفاده از اعتبارات مالی سال ۱۳۴۶، مقدمات اجرای آن فراهم و عملاً از سال ۱۳۴۷ به مرحله اجرا درآمد.

طرحهای افزایش تولید گندم، علوفه، حبوبات و نظایر آن درسالهای بعد آغاز و از سال ۱۳۵۲ به بعد، کلیه این طرحها به سازمان ترویج کشاورزی واگذار گردید. (۱، ص ۲۵) منظور از طرحهای افزایش تولید "تلفیق فن، اعتبار و نهادهای کشاورزی" بود. بدین معنا که ارائه دانش و فنون نوین مربوط به تولید محصولات کشاورزی به همراه نهادهای مورد نیاز (بذر، کود، سم و ...) و تأمین وام برای کشاورزان، برنامه‌های بود که جهت افزایش تولید محصولات کشاورزی طراحی گردید و اجرای آن به سازمان ترویج کشاورزی واگذار شد.

فعالتهای مربوط به اجرای طرحهای افزایش تولید که عملیات اجرایی آن درسال ۱۳۵۲ به بعد به کارکنان سازمان ترویج محول گردید، پیامدهای منفی برای نهاد ترویج کشاورزی کشور به دنبال داشت. زیرا در عمل عمده فعالیت کارکنان ترویج و انرژی نیروی انسانی آن سازمان، صرف فعالتهای غیرترویجی نظیر تهیه و تدارک نهادهای کشاورزی، تأمین وام و وصول آن از کشاورزان، نگهداری حسابها، انبارداری، حمل و توزیع نهادهای کشاورزی و ... می‌گردید. (همان منبع، ص ۳۱)

پیامدهای منفی ناشی از احاله وظایف و مسئولیتهای غیرترویجی به پرسنل سازمان ترویج و درگیر شدن این سازمان به فعالیتهای اموری که از اهداف و رسالت راستین مکتب ترویج کشاورزی فاصله زیادی داشت، بتدریج باعث گردید که مسئولین و برنامه‌ریزان مملکتی از امور آموزش کشاورزی و برنامه‌های ترویجی که نتایج آن در درازمدت آشکار می‌شود، غافل مانده و امور اجرایی زودبازده و به ظاهر محسوس و ملموس را به سازمان ترویج محول نمایند.

درگیر شدن منابع انسانی و مادی سازمان ترویج در امور غیرترویجی مانند اصلاحات ارضی، طرحهای افزایش تولید، امور خدماتی غیرترویجی و فعالیتهای اجرایی غیرمرتبط با اهداف اصلی ترویج باعث تغییر ذهنیت برنامه‌ریزان و مسئولان مملکتی در

زمینه ترویج گردید، به طوری که در این مقطع زمانی (۱۳۴۱-۱۳۵۷) و حتی سالهای پس از آن، انتظار مردم و مسئولین از ترویج همان امور تأمین و تدارک و توزیع نهادهای کشاورزی و انجام خدمات جنبی و تأمین نیازمندیهای روستاییان در این خصوص شناخته شد و کمتر کسی از ترویج توقع و انتظار ارائه و احیای برنامه‌های آموزشی، ارشادی به معنای واقعی را داشت. لذا کشاورزان و روستاییان نیز چنین برداشتی از ترویج را در ذهن خود جای داده و مروج کشاورزی را در چهره و سیمای یک مأمور اجرایی دولتی می‌دیدند نه به صورت یک نفر آموزشگر و ارشاد کننده.

چنان که در اواخر این مقطع زمانی بخصوص طی سالهای ۱۳۵۳ به بعد، سازمان ترویج به حدی از وظایف و اهداف اصلی خود دور شده بود که به جای اینکه این نهاد تمام هم و غم خود را مصروف آموزش کشاورزان و توسعه سطح فکر و زندگی روستاییان نماید، به امور بازرگانی، خدماتی و اجرایی روی آورد که نیاز چندانی به تخصصهای کشاورزی نداشت.

پیامدهای منفی ناشی از احاله فعالیتهای غیرمرتبط با اهداف ترویج کشاورزی به سازمان ترویج، حتی تا سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتهای نسبتاً دامنه‌داری از سوی افراد آگاه صورت گرفت تا آثار باقیمانده از این پیامدهای منفی برطرف گردد.

در یک جمع‌بندی کلی از فعالیتهای سازمان ترویج در این مقطع زمانی، عرصه‌ها و محتوای فعالیتهای ترویجی در این دوره را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- انجام امور اجرایی اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی مزروعی بین کشاورزان
- احداث مزارع ترویج بذور اصلاح شده محصولات زراعی
- احداث مزارع ترویج کودهای شیمیایی
- مبارزه با آفات مزارع و ضدعفونی نمودن بذور قبل از کاشت (به صورت نمایی)
- احداث باغهای آموزشی جدید با رعایت نکات فنی و اصلاح باغهای قدیمی
- احداث قلمستان و خزانه درختان مثمر
- ضدعفونی نمودن مرغاریها و دامداریها
- اصلاح اصطبل و مرغاریهای بهداشتی
- مبارزه با طاعون گاوی

- مبارزه با کرم خاردار پنبه
- مبارزه با کرم ساقه خوار برنج
- تعویض کندوهای قدیمی پرورش زنبور
- عمل و ترویج کندوهای جدید
- خرید گندم مازاد کشاورزان
- توزیع جو و خوراک دام
- توزیع بذر و نهال میان کشاورزان و باغداران
- تأمین وام و اعتبارات لازم جهت اجرای طرحهای افزایش تولید به وسیله کشاورزان
- شروع طرحهای افزایش تولید (سال ۱۳۴۶)
- وصول مطالبات از کشاورزان و نگهداری حسابها
- توزیع نهادهای کشاورزی از قبیل بذر، کود شیمیایی، سموم دفع آفات و ... بین کشاورزان
- انبارداری نهادهای کشاورزی، ابزار و ادوات و وسایل و ... (۱، ص ۲۸)

دوره سوم: بررسی سوابق مربوط به محتوا و عرصه‌های برنامه‌های ترویج کشاورزی در کشور از سال ۱۳۵۷ تاکنون

همان گونه که در قسمتهای قبل ذکر گردید، طی سالهای "۱۳۴۱-۱۳۵۷" و بالاخص در اواخر این دوره زمانی، بر اثر احاله وظایف و مسئولیتهای اجرایی غیرمرتبط با اهداف و رسالت اصلی ترویج، انحرافی در اصول اساسی این نهاد پیش آمد که طی آن ترویج کشاورزی کشور از رسالت اصیل و راستین خود فاصله گرفت. در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران ترویج کشاورزی یک الگوی وارداتی تسلیقی گردید که ره‌آورد کشورهای غربی، بخصوص ایالات متحده آمریکا، محسوب می‌شد و همچنین به دلیل احاله امور خدماتی و اجرایی به آن، ترویج کشاورزی کشور ابتدا مورد بی‌مهری مسئولین و برنامه‌ریزان مملکتی قرار گرفت و حتی رشته تحصیلی آن از میان رشته‌های دانشگاهی حذف گردید. اما این امر دوام چندانی نیاورد و پس از مدت کوتاهی، مسئولان و سیاستگذاران کشاورزی کشور به اهمیت و جایگاه واقعی ترویج در روند رشد و توسعه کشاورزی واقف گردیده و ترویج را حرکتی اصیل و ریشه‌دار در فرهنگ ملی و اسلامی معرفی نمودند که باید مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرد.

در این مقطع زمانی، تلاشهای فراوانی از سوی صاحبزنان و دست‌اندرکاران مربوطه به عمل آمد تا ترویج را به مسیر اصلی

خود هدایت نموده و آن را به جایگاه بااهمیت، حساس و باارزش آن نزدیک نمایند. این مقطع زمانی شامل سه دوره به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- سال ۱۳۵۷-۱۳۶۲ (دوره رکود و وقفه نسبی بر فعالیتهای ترویج کشاورزی)
- ۲- سال ۱۳۶۲-۱۳۶۸ (دوره تجدید حیات و بازسازی ترویج کشاورزی در کشور)
- ۳- سال ۱۳۶۸ تاکنون (دوره توسعه و گسترش فعالیتهای ترویجی)

■ فعالیتهای سازمان ترویج کشاورزی در دوره رکود فعالیتهای ترویجی (۱۳۵۷-۱۳۶۲) عبارت بود از:

- تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه‌های باغبانی، حفظ نباتات، دامپزشکی و دامپروری
- بازدید از مزارع و منازل کشاورزان و ارائه راهنماییهای فنی انفرادی
- اجرای نمایشهای طریقه‌ای و نتیجه‌ای
- ترویج نحوه واکسیناسیون دام و طیور
- چاپ و توزیع نشریات ترویجی
- نمایش فیلمهای آموزشی
- راهنمایی کشاورزان
- تشکیل کلاسهای ترویجی
- انجام فعالیتهای خدماتی
- قبول مسئولیت در مراکز خدمات کشاورزی
- توزیع لوازم ساختمانی
- کرایه ماشین‌آلات کشاورزی
- تهیه، تدارک و توزیع نهاده‌های کشاورزی
- وصول مطالبات و نگهداری حسابها و انبارداری

از سال ۱۳۶۲ به بعد که از آن می‌توان به عنوان دوران "تجدید حیات ترویج و آموزش کشاورزی" و هدایت به مسیر اصلی یاد کرد، بسیاری از افراد متخصص، آگاه و مستعد - اعم از اساتید دانشگاهها، صاحبانظران، کارشناسان و مروجان علاقه‌مند به توسعه کشاورزی - اقدامات مؤثری را در جهت بازنگری فعالیتهای ترویجی و احراز جایگاه بااهمیت آن در روند توسعه کشاورزی به عمل آوردند. در این مقطع زمانی رشته تخصصی ترویج و آموزش کشاورزی مجدداً در دانشگاههای کشور راهاندازی شد و مقاطع تحصیلی بالاتری را نیز به خود اختصاص داد. همچنین برگزاری سمینارهای علمی ترویج کشاورزی در کشور، زمینه‌های ارتقای سطح علمی این رشته را فراهم آورد و بر اثر این اقدامات و اقدامات مشابه دیگر و نیز حمایت

مستولان طراز اول مملکتی از این حرکت، ترویج کشاورزی نسبت به گذشته، جایگاه و اهمیت والاتری را به خود اختصاص داد، به طوری که هم اکنون از آن به عنوان "زیربنای توسعه کشاورزی" یاد می‌شود.

فعالیتهای سازمان ترویج در مقطع زمانی ۱۳۶۲-۱۳۷۰ نیز به طور فهرست وار، به شرح زیر بوده است:

- ایجاد مراکز خدمات با شاخه ترویج
- شروع اجرای برنامه پنجساله توسعه و آغاز برنامه پنجساله ترویج کشاورزی
- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی
- اجرای طرحهای تحقیقی - ترویجی
- اجرای طرح محوری گندم
- انتخاب کارشناس، مروج و کشاورز نمونه در محصولات گوناگون

- برگزاری سالیانه هفته ترویج کشاورزی (که از سال ۱۳۷۲ به هفته کشاورزی تبدیل شد)

- تخصصی نمودن فعالیتهای کشاورزان
- همکاری در اجرای برنامه شبکه روستایی
- سیمای جمهوری اسلامی ایران
- تهیه و انتشار نشریه‌ها، جزوه‌ها، پوسترها و اسلایدهای آموزشی
- برگزاری سلسله سمینارهای علمی ترویج کشاورزی
- اجرای طرحهای ارزشیابی
- برگزاری روز مزرعه
- تأسیس دفتر همکاری مشترک سازمان

ترویج با گروه ترویج کشاورزی دانشگاه تهران

- ایجاد نمایشگاههای کشاورزی
- آموزش جوانان روستایی

- آموزش زنان روستایی

- طرح انتخاب مددکاران ترویجی از میان کشاورزان

از ویژگیهای مهم این مقطع زمانی، که تحول اساسی در عرصه‌ها و زمینه‌های فعالیت ترویج کشاورزی را به دنبال داشت، تفکیک وظایف بین وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی بود که در سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و طبق آن امور دام، منابع طبیعی، شیلات و آبزیان به وزارت جهاد سازندگی محول شد و بقیه امور مربوط به کشاورزی چون امور زراعی، باغبانی، آفات و بیماریهای گیاهی و ... به وزارت کشاورزی احاله گردید.

این تحول باعث شد تا عرصه‌ها و محتوای فعالیتهای نهادهای ترویج در هر دو وزارتخانه فوق در قالبهای معینی ریخته شود

و از آن تاریخ به بعد سازمان ترویج کشاورزی در عرصه‌های امور زراعی، باغبانی، آفات بیماریهای گیاهی، ماشین‌آلات کشاورزی (مکانیزاسیون کشاورزی) و سایر امور مربوطه فعال بوده است.

در وزارت جهاد سازندگی نیز علاوه بر فعالیتهای فوق، "معاونت ترویج و مشارکت مردمی" به فعالیتهایی در زمینه‌های عمران روستایی، صنایع دستی و روستایی و آموزش زنان روستایی مبادرت داشته است.

عرصه‌ها و زمینه‌های فعالیتهای سازمان ترویج کشاورزی از سال ۱۳۵۷ تاکنون - در دو مقطع زمانی قبل از تفکیک وظایف با وزارت جهاد سازندگی و بعد از آن - در جدول شماره (۲) آورده شده است.

■ عرصه‌های فعالیتهای ترویج در سازمانهای بین‌المللی مأمور در ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بخصوص در مقطع زمانی "۱۳۲۰-۱۳۵۷"، سازمانهای بین‌المللی متعددی در زمینه‌های ترویج و توسعه روستایی در ایران فعال بوده‌اند. در اینجا بدون اینکه در خصوص موفقیت یا عدم موفقیت این سازمانها در زمینه توسعه روستایی در ایران قضاوتی صورت گیرد، صرفاً به بیان عرصه‌ها و محتوای آموزشی و اجرایی آنها اکتفا می‌شود:

● الف - بنیاد خاور نزدیک

بنیاد خاور نزدیک از جمله مؤسسات امریکایی بود که در نقاطی از جهان به فعالیتهای عمرانی اشتغال داشت. تاریخچه فعالیتهای بنیاد خاور نزدیک در ایران به سال ۱۳۲۵ (ه.ش.) باز می‌گردد. این بنیاد بعد از ورود به ایران، فعالیتهای خود را در منطقه ورامین متمرکز نموده و امور ترویجی خود را در زمینه:

- ۱- انتقال اطلاعات و تکنولوژی نوین به مناطق و جوامع روستایی
 - ۲- سازماندهی کشاورزان در قالب تعاونی و عمران و رساندن نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز به آنها دنبال نمود.
- روش به کار گرفته شده توسط بنیاد خاور نزدیک در ایران راه، می‌توان یک ترویج چند منظوره (Multy Purpose) دانست که در ابتدا با رهیافت آموزش و دیدار (Training and Visiting) همراه بود، اما با توسعه نهضت

تعاونی به "امداد اجتماعی" (Social Facilitating) سوق داده شد.

برنامه‌های بنیاد خاور نزدیک در منطقه روستایی مامازن ورامین عبارت بودند از:

- ۱- احداث مزارع نمونه
- ۲- تأسیس کلاسهای شبانه سوادآموزی برای سالمندان
- ۳- اجرای برنامه‌های ترویج کشاورزی
- ۴- اجرای برنامه‌های بهداشت روستا
- ۵- تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی
- ۶- ایجاد مرغداریهای نمونه
- ۷- تهیه آب آشامیدنی بهداشتی
- ۸- تأسیس و راه‌اندازی مرکز آموزش کشاورزی
- ۹- تأسیس و راه‌اندازی آموزشگاه بهداشت
- ۱۰- برنامه‌های خانه داری و تدبیر منزل
- ۱۱- تأسیس مدرسه تربیت معلم روستایی دختران

۱۲- اجرای برنامه‌های ساختمانی روستایی (احداث خانه‌های روستایی با روشهای اصولی) (۶)

● سایر فعالیتهای بنیاد خاور نزدیک

- از دیگر فعالیتهای بنیاد می‌توان موارد زیر را برشمرد:
- احداث خانه‌های ارزان قیمت بهداشتی در روستاها
 - احداث مستراحهای بهداشتی
 - ضدعفونی و بهداشتی نمودن محیط روستا (منازل، اصطبلها و ...)
 - دور نمودن حیوانات اهلی از محل سکونت روستاییان و احداث اصطبلهای بهداشتی
 - ترویج و اشاعه نژادهای پربازده دام و طیور (۶)
- در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت فعالیتهای بنیاد خاور نزدیک در ایران، تشکلی از اجزای زیر بوده است:

انتقال تکنولوژی + امکان دسترسی به نهاده‌ها + عمران اجتماعی در قالب تشکیل تعاونیها + عمران روستایی + توسعه بهداشت (۵)

● ب - اداره اصل ۴ (Point 4) یا اداره همکاریهای فنی آمریکا

اصل ۴ یا برنامه همکاریهای تکنیکی ایالات متحده آمریکا با دیگر کشورهای جهان، عنوان طرحی بود که هری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۴۹ میلادی به

کنگره آمریکا پیشنهاد نمود. به موجب این طرح، گروههای صلح و خدمات فنی آمریکایی به کشورهای مختلف جهان اعزام می‌گردیدند. ایران اولین کشوری بود که موافقتنامه مربوطه را در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۹ ه.ش.) با آمریکا امضا نمود.

در فعالیتهای و برنامه‌های اصل ۴، توجهی خاص به بهبود وضعیت روستاهای ایران مبذول گردید و دولت‌های ایران و آمریکا برای حصول اطمینان در این خصوص و رسیدگی لازم به مسائل کشاورزان و روستاییان در زمینه‌های کشاورزی، بهداشت و فرهنگ، کمیسیون مشترکی را جهت بهبود امور روستایی ایران تشکیل دادند. وظیفه این کمیسیون کمک به توسعه و تطبیق روشها و برنامه‌های بهبود امور روستایی ایران بوده است.

● برنامه‌های اداره همکاریهای فنی آمریکا در ایران

- ۱- ارائه کمکهای مالی و فنی به توسعه برنامه‌های آموزشی دانشکده کشاورزی کرج
- ۲- کمک به وزارت کشور برای انجام اولین سرشماری کشاورزی در ایران
- ۳- ارائه کمک جهت پیشرفت و بهبود زراعت چغندرند
- ۴- بهبود نژاد دام و طیور در ایران
- ۵- کارورزی و نمایش به منظور ترویج روشهای نوین در عملیات کشاورزی
- ۶- طرح راهنمایی، خرید و توزیع بذر غلات و بهبود زراعت غلات
- ۷- اصلاح و بهبود زراعت پنبه
- ۸- کارورزی و نمایش در زمینه روشهای نوین تولید بذر و سبزیجات
- ۹- اصلاح محصولات علوفه‌ای و احیای چراگاهها (اصلاح مراتع)
- ۱۰- اصلاح آبیاری مزارع و سایر امورات مربوط به آبیاری

۱۱- کارورزی و نمایش در خصوص دفع آفات، بخصوص آفات عمومی نظیر ملخ

۱۲- ایجاد شرکتهای تعاونی ماشین‌آلات کشاورزی

۱۳- ایجاد مراکز کارورزی جهت استفاده صحیح از ماشینهای کشاورزی

۱۴- کارورزی و نمایش ایجاد جنگل، بهبود زمین و نگهداری رطوبت و همچنین کمک فنی به توسعه انواع کوره‌های ذغالهای جنگل و آموزش جنگلبانی صحیح

● تأثیر نگرشهای نوین به محتوای نظام ترویج

محتوا و عرصه فعالیتها و برنامه‌های ترویج کشاورزی هرگز حالتی "ایستا" ندارد، بلکه بر اثر پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک که در نتیجه فعالیتهای تحقیقاتی پدید می‌آید و همچنین بر اثر تغییر و تحول در استراتژیهای توسعه و شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه‌های مورد عمل در ترویج کشاورزی نیز دچار تحول می‌شود. بنابراین عرصه‌های نظام ترویج و محتوای آموزشی این نظام در حالتی دینامیک و پویا، در روندی تکامل گونه دچار تحول و دگرگونی می‌شود.

این تحول و دگرگونی گاه در نظریه‌پردازیهای جدیدی که پیرامون استراتژیهای نوین توسعه از سوی صاحب‌نظران ابراز می‌شود، متجلی است و این امر خواه ناخواه باه‌های جدید را بر روی زمینه‌های مورد عمل در ترویج، خواهد گشود.

از طرفی "توسعه" پدیده‌ای است پویا که به صورتی تنگاتنگ با عواملی که منجر به تغییرات و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... می‌شوند، در ارتباط است. کلیه جوامع در حال تغییر می‌باشند و ترویج سعی دارد تا تحولات مثبت و نوین را به نحوی مؤثر و مطلوب به مجامع روستایی منتقل نماید.

ارائه نظریه‌های نوین در زمینه استراتژیهای توسعه مناطق روستایی که در سالهای اخیر توسط سازمانهای بین‌المللی (بالاخص سازمان F.A.O) مطرح می‌شود، نگرشهای نوینی را در خصوص اهداف و وظایف نهاد ترویج مطرح می‌نماید که این امر، بدون تردید، تأثیر بسزایی را بر محتوا و عرصه‌های نظام ترویج از خود به جای خواهد گذاشت.

از مهمترین نظریات جدید می‌توان به "توسعه پایدار کشاورزی" (Sustainable development in agriculture) و توسعه جامع روستایی (Integrated rural development) یا IRD اشاره کرد.

در توسعه پایدار کشاورزی، این امر مورد تأکید است که بخش کشاورزی ضمن داشتن کارایی لازم جهت پاسخگویی به نیازهای روزافزون و رو به تزاید جمعیت به مواد غذایی، صدماتی به محیط زیست و منابع طبیعی وارد نیارد و آن را برای استفاده

نسلهای آینده سالم نگه دارد. نهضت کشاورزی با ملاحظات محیط زیست، حرکت جوانی است که در جهت دگرگون سازی کشاورزی متکی بر مواد شیمیایی و تکنولوژی نامناسب (chemo - Technical- Agri) به وجود آمده است و بر آن تأکید دارد که فعالیتهای کشاورزی به گونه‌ای سازماندهی شود که به محیط زیست صدمه‌ای وارد نیاید و در جریان تولید از فرایندهای طبیعی بیولوژیک حداکثر بهره گرفته شود.

به نظر صاحب‌نظران، نظام کشاورزی پایدار، نظامی است که از لحاظ زیست محیطی، بی خطر، از نظر اقتصادی کارا و از دیدگاه انسانی و اخلاقی، شایسته جامعه بشری باشد.

پایداری، باید محتوا و عرصه خاصی برای فعالیتها و برنامه‌های ترویجی در نظر گرفته شود که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است و باید طی مقاله جداگانه‌ای به آن پرداخته شود.

توسعه جامع روستایی (IRD) از دیگر راهبردهای جدید است که از سوی سازمانهای بین‌المللی جهت توسعه مناطق روستایی معرفی شده است. اهم مطالب مورد نظر در این نظریه عبارتند از:

- توسعه جامع روستایی شامل معرفی عقاید جدید در یک سیستم اجتماعی به منظور ارتقای سطح سازمان اجتماع و بین‌اندگاری امکانات لازم برای توسعه اجتماعی، اقتصادی است.

- توسعه جامع روستایی خواستار تبدیل یک جامعه سنتی یا نیمه سنتی به گونه‌ای است که بتواند از تکنولوژی و سازمانهایی که در ارتباط با تکنولوژی هستند استفاده نموده و ارتقا یابد.

- توسعه جامع روستایی یک نوع تجربه آموزشی است که مردم هوشیارانه و با هدف ارتقای محیط زندگی و اطراف خود انجام می‌دهند. بنابراین با توجه به قابلیت‌های مردم شروع و ادامه پیدا می‌کند و در نهایت منجر به رشد جامعه خواهد شد.

- توسعه جامع روستای پدیده‌ای ماورای توسعه کشاورزی است و در ارتباط با مسائل اجتماعی، آموزشی، محیطی و ... در مناطق روستایی عمل می‌کند.

اگر چنانچه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشاورزی کشور قصد داشته باشند تا استراتژیهای نوین مانند کشاورزی

پایدار و توسعه جامع روستایی را در کشور پیاده کنند، در وهله اول باید نهادهای ترویج، آموزش و تحقیقات را در این جهت تجهیز و هدایت نمایند. مسلم است که در این جهت، برنامه‌های اجرایی صرفاً محدود به کشاورزی نخواهد بود، بلکه امور دیگری نظیر حفاظت از محیط زیست و سالم سازی آن، حفاظت از منابع طبیعی، عمران روستایی، مدیریت خانه و خانواده، مرتفع نمودن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاییان و ... مدنظر و توجه می‌باشد و در این جریان نهاد ترویج مسئولیت و رسالت خطیری را بر عهده خواهد داشت تا از طریق برنامه‌هایی مناسب و مؤثر، اقدام به آموزش و ارشاد کشاورزان و روستاییان نماید.

نتیجه گیری

ترویج مکتبی آموزشی است که رسالت اصلی آن انتقال، اشاعه و تنفیذ نوآوریهای علمی و تکنولوژیک در جوامع روستایی است. این مکتب می‌تواند در خدمت اشاعه بسیاری از زمینه‌های ذی‌مدخل در فرایند توسعه قرار گیرد.

حیطه‌های عمل مکتب و نظام ترویج، عرصه‌ها، زمینه‌های عملیاتی و محتوای آموزشی برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی را مشخص می‌سازد و در حقیقت تعیین چارچوبی است که در نهاد ترویج باید در آن محدوده به فعالیتهای نشر و اشاعه مبادرت ورزد.

محتوای نظام ترویج در حالی پویا همواره در معرض تحول و دگرگونی قرار دارد. ولی همان گونه که در متن مقاله آمده است، امروزه ترویج به عنوان مکتبی برای کمک در حل مسائل و انتشار اصول نوین کشاورزی اشتهار یافته است و در حال حاضر در اکثر کشورهای جهان در زمینه‌های مرتبط با امور کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اما با توسعه اصول نوین کشاورزی و به تبع آن، افزایش میزان عملکرد تولید محصولات کشاورزی، ضرورت‌هایی برای تحول در سایر جنبه‌های زندگی روستایی نیز پدیدار گردیده است. این جنبه‌ها ضرورتاً حیطه عمل ترویج را به مسائل و موارد اقتصادی، اجتماعی، عمرانی و فرهنگی گسترش داده است. امر مسلم این است که زندگی روستایی صرفاً منحصر به جنبه‌های تولیدی نیست. مستعد شدن روستاییان برای

تولید بیشتر و بهتر، مستلزم آگاهی در جنبه‌های متنوعی از زندگی و اشتغال در روستاست.

بنابراین روستاییان به منظور ارتقای سطح زندگی و به تبع آن تولید بیشتر و بالاتر در فعالیتهای کشاورزی باید از آگاهی و دانش لازم در زمینه‌هایی متنوع و گوناگون برخوردار باشند.

لذا محتوا و عرصه فعالیتها و برنامه‌های ترویج، به هیچ‌وجه حالتی "ایستا" ندارد، بلکه مفهومی پویا و دینامیک است که در اثر پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک، که در نتیجه فعالیتهای تحقیقاتی پدید می‌آید و همچنین بر اثر تحول در استراتژیهای توسعه و شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دچار دگرگونی و تغییر می‌شود و روندی تکامل‌گونه را طی می‌کند.

این تحول و دگرگونی تکامل‌گونه، گاه در نظریه‌پردازیهای جدیدی که پیرامون استراتژیهای نوین توسعه از سوی صاحب‌نظران ابراز می‌شود، متجلی است و این امر خواه ناخواه بابه‌ای جدیدی را بر روی حیطه‌های عملی در نظام ترویج خواهد گشود.

از طرفی توسعه پدیده‌ای پویاست و با عواملی که باعث تغییرات و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... می‌شوند به گونه‌ای تنگاتنگ و فشرده در ارتباط است. کلیه جوامع در حال تغییر و تحول بوده و ترویج نیز باید سعی کند تا تحولات مثبت و نوین را به نحوی مؤثر و مطلوب به مجامع روستایی منتقل نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- ایروانی، هوشنگ. "تاریخچه ترویج و آموزش کشاورزی در ایران"، نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- ۲- امیرانی، محمدهادی. "بررسی وضعیت و عملکرد ترویج کشاورزی در ایران"، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- اداره همکاریهای فنی آمریکا، برنامه اصل چهارم در ایران، چاپخانه فردوسی، تهران، ۱۳۳۱
- ۴- شهبازی، اسماعیل. "مقدمه‌ای بر آموزش و ترویج و توسعه شیوه‌های نوین در روستاها"،

جدول شماره (۱): سیر تحولات در نوع فعالیتهای ترویجی، پس از انقلاب اسلامی

دوره سوم ۱۳۶۸-۱۳۷۲	دوره دوم ۱۳۶۲-۱۳۶۸	دوره اول ۱۳۵۷-۱۳۶۲
<p>- تدوین و اجرای برنامه پنجساله توسعه ترویج کشاورزی</p> <p>- ایجاد معاونت آموزش و ترویج در وزارت کشاورزی</p> <p>- تحول تشکیلاتی در سازمان ترویج</p> <p>- توسعه و گسترش رشته دانشگاهی ترویج و آموزش کشاورزی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد</p> <p>- ادامه سمینارهای علمی ترویج کشاورزی</p> <p>- ادامه طرحهای جامع ترویج کشاورزی</p> <p>- ادامه برگزاری مراسم هفته ترویج کشاورزی</p> <p>- ارائه خدمات ترویجی، از قبیل تهیه فیلمهای آموزشی، پوستر، نشریات ترویجی، عکس و اسلاید و ...</p> <p>- اجرای طرحهای مشترک تحقیقی، ترویجی و برگزاری سمینار مشترک تحقیق و ترویج</p> <p>- تهیه برنامههای رادیویی و تلویزیونی</p> <p>- ادغام سازمانهای تحقیقات و آموزش ترویج کشاورزی و تأسیس سازمان "تات"</p> <p>- تشکیل معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در وزارت کشاورزی</p> <p>- تبدیل سازمان ترویج به معاونت ترویج سازمان تات و بروز تحولات و دگرگونیهای تشکیلاتی در مرکز استانها</p>	<p>- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی</p> <p>- شروع اجرای برنامههای تهیه شده توسط کارشناسان</p> <p>- اجرای طرحهای تحقیقی - ترویجی</p> <p>- تدوین برنامه پنجساله ترویج کشاورزی</p> <p>- راه اندازی مقطع کارشناسی ارشد برای رشته ترویج کشاورزی</p> <p>- برگزاری سمینار علمی ترویج کشاورزی</p> <p>- برگزاری مراسم سال و هفته ترویج کشاورزی</p> <p>- تخصصی نمودن فعالیتهای کارشناسان</p> <p>- انتخاب کارشناس، مروج و کشاورز نمونه در مراسم سالانه هفته ترویج (هفته کشاورزی)</p> <p>- اجرای برنامه شبکه روستا در سیمای جمهوری اسلامی ایران</p> <p>- تهیه و انتشار فیلمهای آموزشی و پوستره‌های ترویجی</p> <p>- تهیه و توزیع نشریات ترویجی</p> <p>- اجرای طرحهای ارزشیابی</p> <p>- برگزاری روز مزرعه</p> <p>- ایجاد نمایشگاههای کشاورزی</p> <p>- اجرای طرح تهیه اسلایدهای ترویجی</p> <p>- تأسیس دفتر همکاری معاونت آموزش و ترویج وزارت کشاورزی با دانشکده کشاورزی کرج</p> <p>- اجرای طرح ارتباط مکاتبه‌ای با کارشناسان و مروجان کشاورزی</p> <p>- اجرای تئاتر ترویجی</p>	<p>- رکود نسبی فعالیتهای ترویجی</p> <p>- حذف رشته دانشگاهی ترویج و آموزش کشاورزی</p> <p>- ارائه خدمات و فعالیتهای ترویجی از قبیل:</p> <p>۱- تشکیل کلاسهای ترویجی برای کشاورزان</p> <p>۲- راهنمایی انفرادی و گروهی کشاورزان</p> <p>۳- نمایش فیلمهای آموزشی</p> <p>۴- بازدید از مزارع و منازل کشاورزان</p> <p>۵- تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه‌های باغبانی، دفع آفات و حفظ نباتات، دامپروری و دامپزشکی</p> <p>۶- اجرای نمایشهای طریقه‌ای و نتیجه‌ای</p> <p>۷- ترویج نحوه واکسیناسیون دام و طیور</p> <p>۸- تهیه و توزیع نشریات ترویجی</p> <p>۹- تأسیس مراکز خدمات کشاورزی با شاخه ترویج</p> <p>۱۰- راه‌اندازی مجدد رشته ترویج و آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی در دانشگاههای کشور</p>

جدول شماره (۲): زمینه‌های مورد عمل و عرصه فعالیت‌های سازمان ترویج کشاورزی قبل و بعد از "تفکیک وظایف"

سال ۱۳۶۸-۱۳۵۷	سال ۱۳۶۹-۱۳۷۵
۱- تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه‌های باغبانی، دامپروری، حفظ نباتات و دامپزشکی	۱- آموزش تولیدکنندگان محصولات زراعی و باغی
۲- اجرای نمایشهای طریقه‌ای و نتیجه‌ای در زمینه امور زراعی	۲- احداث مزارع و باغهای آموزشی نمونه
۳- واکسیناسیون دام و طیور	۳- اجرای طرحهای مشترک تحقیقی - ترویجی؛
۴- توزیع نهاده‌های کشاورزی، مصالح و لوازم ساختمانی و کسریه ماشین‌آلات کشاورزی	این طرحها شامل اصلاح واریته‌های نباتات زراعی، درختان میوه، کاربرد کودهای شیمیایی درزرعت‌های مختلف، روش اصولی بذرگیری نباتات زراعی، بررسی نیازهای غذایی محصولات زراعی مختلف، اصلاح و بهبود عملکرد نباتات زراعی و ... بوده است.
۵- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی؛ این طرح طیف همه‌جانبه و وسیعی را در امر تولیدات کشاورزی در برگرفته و مسائل را به طور انتزاعی و تجربیدی نمی‌نگرد. در این طرح به تولیدات کشاورزی به صورت عام نگریسته می‌شود و کلیه موارد تولیدات زراعی، باغی، دامی و منابع طبیعی به صورتی جامع نگرانه مورد نظر می‌باشد.	۴- ایجاد مزارع یکپارچه و مکانیزه آموزشی
۶- اجرای طرح محوری گندم	۵- آموزش و ترویج نحوه مبارزه علمی و عملی با آفات و بیماریهای گیاهی به طرق شیمیایی، بیولوژیک و مکانیکی و نحوه مبارزه با علفهای هرز، ضمن توجه به حفظ محیط زیست.
۷- برگزاری روز مزرعه	۶- اصلاح روشهای آبیاری نباتات زراعی، اجرای طرحهای پوشش انهار و غیره
۸- ایجاد نمایشگاههای کشاورزی	۷- ترویج و آموزش نحوه صحیح و اصولی زراعت‌های دیم
۹- برگزاری مراسم سال و هفته ترویج کشاورزی و انتخاب کشاورز، مروج و کارشناس نمونه در محصولات گوناگون	۸- ترویج و آموزش نحوه صحیح و اصولی اصلاح اراضی زراعی
۱۰- اجرای طرحهای تحقیقی - ترویجی	۹- ترویج و آموزش نحوه صحیح و اصولی سرویس و نگهداری ماشینهای کشاورزی
	۱۰- آموزش جوانان روستایی از طریق باشگاههای جوانان روستایی
	۱۱- آموزش زنان روستایی از طریق دفتر ترویج فعالیت زنان روستایی

دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه، ۱۳۵۴.
۵- دلمر، دولی، "برنامه‌های عمران روستایی بنیاد خاور نزدیک در منطقه ورامین (۱۹۴۶-۱۹۵۱)"، مرکز اسناد سازمان تحقیقات کشاورزی.

۶- کلارنس، ال. میلییر، "تاریخچه برنامه‌ها، روشها و هدفهای بنیاد خاور نزدیک در ایران"، ۱۹۴۶ میلادی.

۷- روزنامه اطلاعات، ۲۶ شهریور ۱۳۰۵ (ه.ش).
۸- عیسوی، چارلز، "تاریخ اقتصادی ایران"، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات نشرگستر، تهران، ۱۳۵۹.

۹- سلک محمدی، ایرج، "مبانی ترویج کشاورزی"، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۱۰- مجله فلاح و تجارت، وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، شماره ۸، ۱۲۹۷ (ه.ش).
۱۱- وزارت کشاورزی، سازمان برنامه‌ها و وظایف وزارت کشاورزی، شرکت سهامی چاپ ایران، ۱۳۲۸.

۱۲- وزارت کشاورزی و عمران روستایی، "برنامه پنجساله توسعه کشاورزی، کتاب نهم"، تحقیق، آموزش و ترویج کشاورزی، نشریه شماره ۴۰، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، دی ماه ۱۳۶۱.

۱۳- وزارت کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت ترویج، دفتر انتشارات و تولید برنامه‌های ترویجی، "گزارش اجلاس آنکارا در خصوص بررسی سیستمهای ترویج کشاورزی در کشورهای خاور نزدیک" سازمان FAO، دسامبر ۱۹۹۳.

14- R, Blandy and M. Nasht, "The Education Crops in Iran, International labor review, May 1966.

15- Rabino, J., (1911), An economists notes on persia, Journal statistical.

۱- در زمان صدرات میرزا تقی خان امیرکبیر روزنامه‌ای با هزینه دولت منتشر می‌شد که از دومین شماره نام روزنامه "وقایع اتفاقیه" بر آن نهاده شد. (سال ۱۲۵۸ قمری، ۱۸۵۱ میلادی). هدف از انتشار این روزنامه، انعکاس اخبار مربوط به حکومت بوده است. با انتشار این روزنامه یک ورقه تاریخ مطبوعات در ایران آغاز می‌شود.